

گفت وگو با دکتر علیرضا ذاکر اصفهانی
رئیس مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری

قفل سیاست خارجی ما زنگ زده بود

حمید خیرایی

در حال گذار و بخصوص خاورمیانه اسلامی و بیش از همه ایران به میان آمد. هنوز مرکب تجویز مدل خاورمیانه بزرگ و سپس خاورمیانه جدید و البته حاکمیت نظام سلطه بر بخش وسیع و استراتژیک جهان خشک نشده است. ولی امروز پس از گذشت کمتر از یک دهه، آمریکایی ها با موضعی انفعالی در مقابل گفتمان جدید و رفتار سیاسی دولت احمدی نژاد خود را گرفتار می یابند. دیگر بحثی از دموکراسی و تجویز آن برای ایران نیست. آقای کلینتون و خانم آلبرایت و نسخه های پی در پی آنها را به یاد می آورید؟ نه فقط برای ایران بلکه کلیت خاورمیانه اسلامی دیگر بحثی از دموکراتیزاسیون غربی نیست. آنها می خواستند ما را رام فزون خواهی های خود کنند. اما امروز خود گرفتار شده اند. این تفاوت و اختلاف فاحشی است. نه فقط عراق به مثابه دومینوی دموکراسی خواهی از نوع آمریکایی عمل نکرده بلکه آنها در گرداب عراق هم گرفتار شده اند.

مگر سیاست های دولت جدید با دولت های قبلی چه تفاوتی دارد که منجر به چنین تأثیراتی شده است؟ فکر می کنم بیش از همه، نوع استراتژی دولت جدید و همگام با آن، تاکتیک های به کار گرفته شده، مؤثر است. نوع دیپلماسی این دولت در مقایسه با دولت های پیشین که عمدتاً بر پایه تنش زدایی استوار بودند متفاوت است. سیاست «تنش زدایی» بیش از آنکه به منافع ملی ما و ارتقای آن و از سویی اعتدالی جایگاه و منزلت جمهوری اسلامی پنجماهد به فعالیت ما منجر شد و در مقابل استیکار را گستاخ تر نمود. آن زمان که آقای دکتر احمدی نژاد دولت را تحویل گرفت قفل سیاست خارجی ما زنگ زده بود. آقای رئیس جمهور به سرعت وارد عمل شد و سعی کرد قفل زنگ زده سیاست خارجی را باز نماید.

دیپلماسی فعال، دولت جمهوری اسلامی را از موضع انفعال خارج ساخت و این بار ما دیگر در مقام پاسخگو عمل نمی کردیم بلکه استیکار و در رأس آن ایالات متحده را به چالش کشیدیم. اگر پیش از دو دهه، دائماً از سوی غرب در خصوص حقوق بشر و تضییع حقوق اقلیت ها، زنان، تشکل های سیاسی و غیره مورد اتهام بودیم، بسواسطه پرداختن به موضوعات دیگر، در عین زیر سؤال بردن ساز و کارهای حقوق بشری غرب و آمریکا، کمتر مورد اتهام واقع شدیم. در واقع از این به بعد، نه محافظه کاران آمریکایی مورد سؤال قرار گرفتند و از آنها در پی پاسخگویی و دفاع از خود برآمدند. دیپلماسی فعال دولت بر این پایه استوار بوده که ایران یک واحد سیاسی مستقل و دارای حاکمیت است، همانگونه که آمریکایی ها چنین فرضی را برای خود متصورند.

ما یک واحد سیاسی هستیم و ایالات متحده هم یک واحد سیاسی است، چرا باید ما حقوقی را برای



و رهبر انقلاب ترسیم نموده است. با این وصف، باید این گفتمان به صورت عمیق تر در ادبیات جامعه نهادینه بشود و من فکر می کنم تا حد زیادی این موضوع می تواند تمحیق پیدا کند. فکر می کنید گفتمان عدالت محور دولت نهم بیشتر در چه حوزه هایی نمود پیدا کرده است؟ اجازه بدهید من در این زمینه از حوزه سیاست خارجی شروع کنم. اقدامات رئیس جمهور و دولت در این حوزه خود حاوی دو بخش است. یک بخش، در حوزه سلبی و دیگری حوزه ایجابی؛ تصور می کنم آقای رئیس جمهور در حوزه سلبی تا حد زیادی موفق بوده اند. به همین دلیل من اسم این دولت را «دولت شالوده شکن» می گذارم. آقای رئیس جمهور تا حد زیادی توانسته است از مناسبات ظالمانه استیکاری در سطح داخلی و خارجی تکوین زدایی کند. بویژه در حوزه خارجی، نه به صورت نمادین و تصنعی بلکه به صورت واقعی، مبارزه مدبرانه ای را با استیکار آغاز نمود که هدف این مبارزه مقابله با بی عدالتی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در دنیای امروز است. به گونه ای که اکنون دغدغه اصلی استیکار به سرگردگی ایالات متحده، مواضع ایران است. گویا استیکار در شکل دهی به نظم نوینی که پس از سال های جنگ سرد و نظام دو قطبی به دنبال آن بود ناموفق بوده است. اکنون نشانه های استیصال غرب هویدا است. اگر

به یاد بیاورید در همان سال های ابتدایی فروپاشی شوروی، بحث از نظم نوین جهانی یا حاکمیت نظام تک قطبی بود. پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر، بحث از تحقق دموکراسی آمریکایی و حاکمیت استانداردهای غربی و تجویز قالب بندی های آمریکایی برای دنیای

آقای دکتر! کمتر از ۲ سال از روی کار آمدن دولت نهم می گذرد، دولت در این مدت موفق به خلق گفتمانی شده که بازتاب آن را در سطح جامعه و در عرصه سیاسی به خوبی می توان مشاهده کرد. مؤلفه های اصلی این گفتمان چیستند؟

زمینه اصلی دولت نهم یا به یک اصطلاح گفتمان شکل گیری و تداوم این دولت، عدالت و عدالت گستری است. با مؤلفه هایی نظیر معنویت خواهی، خدمت رسانی، تحول خواهی و... که چملمگی در پرتو همان زمینه معنا و مفهوم می یابد. البته این موضوع در حوزه های مختلف سیاست، اجتماع، فرهنگ در حال بسط و نضج می باشد. که البته باید از طرق مختلف به بسط تئوریک این زمینه توجه بیشتری شود. چون نظریه پردازی علمی و نظری است که می تواند به استحکام، ثبات، دوام و تداوم آن بینجامد. این نظریه پردازی در عین حال به تقویت دولت کنونی منجر می شود. بنابراین نخبگان اصول گرا از نقش تاریخی در این زمینه برخوردار می شوند.

اگر امروز از سوی رسانه های مهاجم چه در خارج و چه داخل به اخلاص با تحریف و یا انکار و حتی تحقیر و تمسخر اقدامات دولت موافقیم، همه ناشی از مقابله جدی و عزم و اراده ای استیکاری است که در مواجهه با این مهم، جان سختی می کند. گفتمان عدالت زمینه همیشگی انقلاب اسلامی بوده است.

ولی این که به عنوان شاخصه تحركات و سیاست های یک دولت قرار گیرد با مواضع همراه بوده که دولت نهم عملیات اجرای عدالت را بدست گرفته و بنیان های نظری و عملی این گفتمان را هم در همان چارچوب های اولیه انقلاب و اندیشه های امام (ره)